روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامرسان: vatanemrooz@ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

حضرت امام صادق(ع):
نماز شب، انسان را خوش‌سیما، خوش‌اخلاق و خوشبو می‌کند، روزی را زیاد و بدهی را پرداخت می‌نماید، غم و اندوه را از بین می‌برد و چشم را نورانی می‌کند.

اخبار

حضور سازمان اوج با ۸ مستند در سینماحقیقت

با اعلام آثار راه‌یافته به هفدهمین جشنواره سینماحقیقت، سازمان هنری - رسانه‌ای اوج با ۸ فیلم در بخش‌های مختلف این دوره حضور دارد. «آقای خاص»، «آخرین خداحافظی»، «آذرآبادگان»، «اسلحه مادری»، «آخرین زنگی زمانه»، «کر کوهستان»، «همسفر» و «می‌مات» ۸ مستند سازمان اوج هستند که در این دوره رونمایی خواهند شد. «آقای خاص» به کارگردانی سجاد ترابی با موضوع زندگی حرفه‌ای محمد بنا در اومافیلم تولید شده و فرزاد حسنی راوی آن است. «آخرین خداحافظی» به کارگردانی احسان صبوری با موضوع حسرت یک مادر شهید در بدرقه فرزندش به جبهه است. «آذرآبادگان» به کارگردانی حامد کلجه‌ای که در خانه مستند تولید شده است، مستندی پژوهشی درباره تاریخ معاصر است که به موضوع تمامیت ارضی ایران می‌پردازد. «اسلحه مادری» به کارگردانی سیده زهرا موسوی داستان زن شجاعی است که در هنگامه مبارزه همسر و فرزند شهیدش با اشرار مسلح، از خانه و روستا خود دفاع می‌کند. «آخرین زنگی زمانه» به کارگردانی مهرداد خاکی درباره زندگی پهلوان حسن رزاز و تاریخ ورزش پهلوانی در ایران است که در اومافیلم تهیه و تولید شده است.«کر کوهستان» به کارگردانی امیرحسین اوسیوند که در مرکز هنری دیما تولید شده روایتی از فراز و نشیب زندگی عشایر چهارمحال‌وبختیاری است. «همسفر» به کارگردانی محمدحسین حیدری نگاهی به زندگی جهادی مرحوم حاج عبدالله والی و نقش او در راه‌اندازی اردوهای جهادی در کشور دارد. این مستند در خانه مستند به تولید رسیده است. «می‌مات» به کارگردانی محمدعلی رخشانی داستان مبارزه زنی بلوچ به نام گل بی‌بی است که با استعمارگران انگلیسی در خلال جنگ اول جهانی مبارزه می‌کند. «می‌مات» محصول خانه مستند است.

آخرین مصوبات شورای پروانه ساخت آثار غیرسینمایی

شورای صدور پروانه ساخت آثار غیرسینمایی با ساخت ۳ عنوان فیلم کوتاه داستانی، ۲ عنوان فیلم بلند داستانی و یک عنوان فیلم نیمه‌بلند داستانی غیرسینمایی موافقت کرد. در جلسات اخیر شورای پروانه ساخت آثار غیرسینمایی، با ساخت فیلم‌های کوتاه داستانی «یک آن وسواس» به تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی علی محمدی، «نیمه شب» به تهیه‌کنندگی سیدمحمد قاسمیان، نویسندگی پوریا برنجیان و کارگردانی سید محمد قاسمیان و «نام، آیینه» به تهیه‌کنندگی محمدرضا یکانی، نویسندگی و کارگردانی سیاوش نثری موافقت شد. همچنین فیلم‌های بلند داستانی «رویای پفکی» به تهیه‌کنندگی صدیقه صحت کفیری، نویسندگی و کارگردانی مهدی رجبی، «فصل‌های سخت» به تهیه‌کنندگی علیرضا خطایی، نویسندگی شاهرخ پناهی و کارگردانی شاهرخ پناهی و علیرضا خطایی پروانه ساخت دریافت کردند. فیلم نیمه‌بلند داستانی «ماجراهای آقای آبی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی امیر کرم یزدی و نویسندگی فاطمه قربانی اولقمی نیز موفق به کسب پروانه ساخت غیرسینمایی شد.

فروش ۶۲ میلیاردی حراجی که آنلاین برگزار شد

هجدهمین حراج تهران به صورت آنلاین ویژه هنر معاصر ایران، ۲۴ آذر در حالی برگزار شد که توانست رکورد قابل ملاحظه‌ای در خرید و فروش آثار هنری در بستری متفاوت رقم بزند.

در این حراجی که به فروش آثار هنرمندان معاصر به شکل آنلاین اختصاص داشت، علاوه بر زمینه‌سازی تجارت الکترونیک هنر، به معرفی چهره‌های جدید در مارکت هنر ایران نیز پرداخته شد.

در این دوره از حراج تهران، ۵۵ درصد هنرمندان جوان برای اولین‌بار آثارشان در مارکت هنر ایران معرفی شد که با توجه به فروش قابل توجه آثار نسل جدید هنر ایران، چهره‌های جدیدی به مارکت هنر معرفی شدند.

از دیگر ویژگی‌های این دوره از حراج تهران، حضور قابل توجه هنرمندان زن بود که ۴۱ هنرمند زن آثارشان در آن ارائه شد. در کنار هنرمندان جوان؛ آثاری با ماهیت هنر معاصر از برخی اساتید برجسته هنر ایران همچون محمد احصایی، مسعود عربشاهی، پرویز کلانتری و پروانه اعتمادی نیز در این حراج ارائه شده بود.

به بهانه اکران فیلم «ضد» و بازنمایی جریان نفوذ

نفوذی‌ها از سینما هجوم آورده‌اند

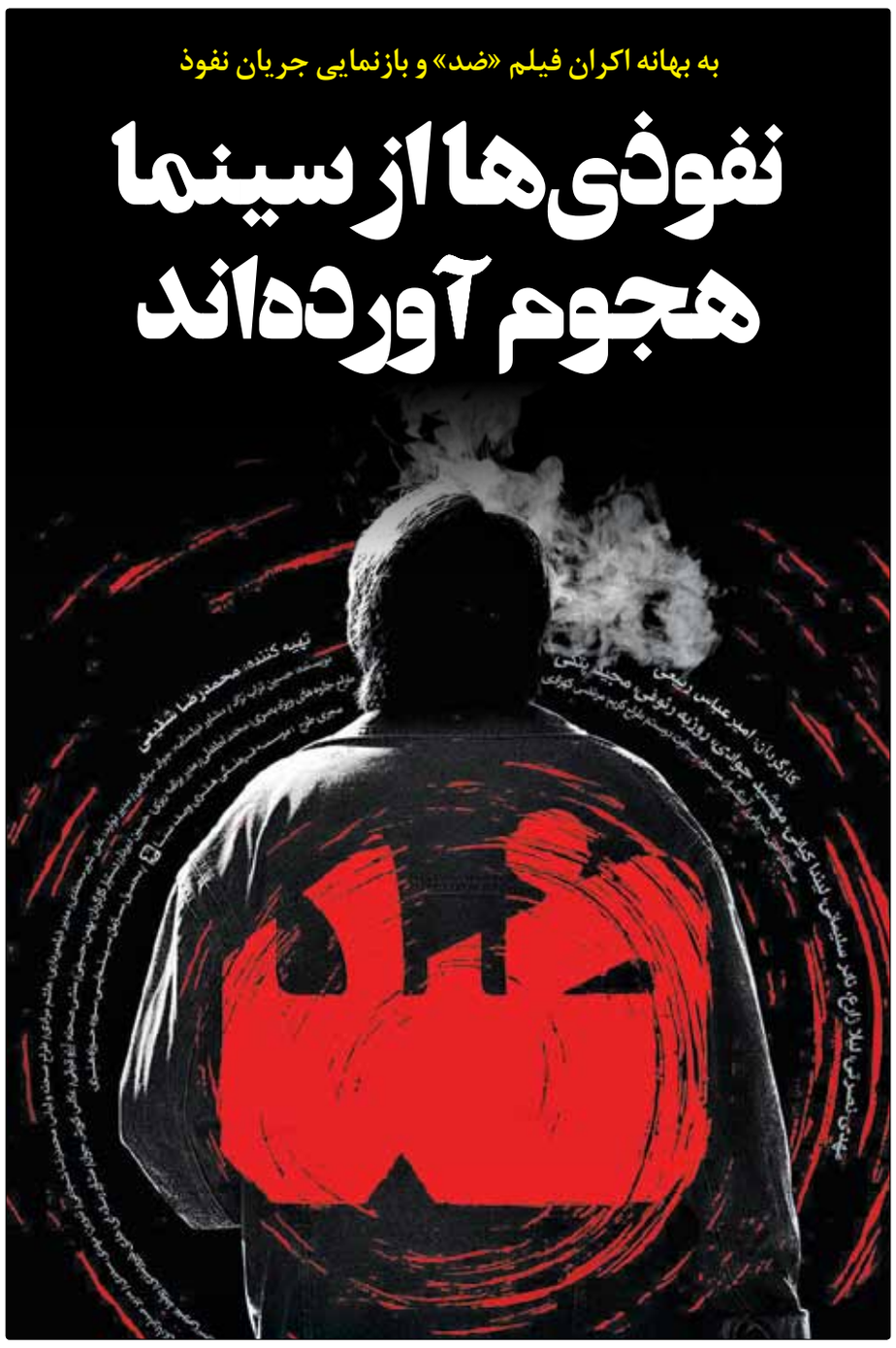

محمدرضا پارسا: احتمالا تیتر مطلب را که خواندید، گمان کردید قرار است با یک مطلب افشاگرانه روبه‌رو شوید که در آن، نام نفوذی‌هایی که به سینما و تمام حوزه فرهنگ و هنر راه پیدا کرده‌اند و توانسته‌اند سینما را به این حال و روز بیندازند، برده می‌شود و با سند ثابت می‌شود چه افرادی در حوزه فرهنگ و هنر تلاش دارند این بخش مهم اما مغفول را فلج کنند و از کار بیندازند.

اگرچه برداشت‌تان اشتباه نبوده است اما هنوز برای خواندن چنین مطلبی کمی زود است. عجالتا به بهانه اکران فیلمی درباره جریان نفوذ به بررسی فیلم‌های مرتبط با این موضوع پرداخته‌ایم و در یکی دو مطلب آینده سراغ معرفی نفوذی‌های حوزه فرهنگ و هنر خواهیم رفت.

این روزها فیلم مهمی به نام «ضد» در سینما اکران می‌شود و فروش نسبتا خوبی هم داشته است و البته شاید اگر شرایط شکل‌گرفته در یکی دو سال اخیر در سینما و سیطره فیلم‌های کمدی تجاری بر سینماها به وجود نیامده بود، می‌توانست مخاطبان بسیار بیشتری پیدا کند.

«ضد» به نویسندگی حسین تراب‌نژاد، دومین ساخته سینمایی امیرعباس ربیعی است؛ داستان این فیلم روایتی از نفوذ در سال‌های ابتدایی انقلاب است. شفیعی تهیه‌کننده «ضد» می‌گوید: «این فیلم درباره جریان نفوذ است که همچنان زنده است. در هر دوره‌ای این جریان بازیگران مختلفی دارد؛ زمانی بازیگران این جریان سازمان منافقین بوده‌اند و امروز بازیگران دیگری در این جریان حضور دارند. از این زاویه معتقدم فیلمسازی درباره مساله «نفوذ» همچنان تازه و جدی است. اگر امروز سازمان منافقین تبدیل به سازمانی مفلوک شده است که از همه جا رانده می‌شود، معنایش این نیست که دیگر نباید درباره آنها فیلم بسازیم. تم اصلی فیلم «ضد» هم درباره نفوذ است که معتقدم همچنان سوژه تازه‌ای است. کما اینکه همه تحولات پیرامونی خود در سال‌های اخیر را هم می‌توانیم از منظر نفوذ بررسی کنیم و هنوز هم از این جریان ضربه می‌خوریم».

به این بهانه بد ندیدیم درباره جریان نفوذ و اتفاقات شکل‌گرفته در این مسیر، بحث‌هایی را در چند بخش مطرح کنیم؛ بحث‌هایی که یقینا نادیده گرفتن و غور نکردن در آنها می‌تواند به تکرار آن فجایع و وارد کردن خسارت‌های جبران‌ناپذیر به مردم و کشور منجر شود.

آنها که اتفاقات سال‌های انقلاب و دهه ۶۰ را دیده‌اند یا بخشی از این اتفاقات را به نوعی درک کرده‌اند، یحتمل با عنوان «کشمیری» آشنا هستند. آنها می‌دانند کشمیری به عنوان یک فامیلی یا قید یا حتی شخصی که باعث انفجار ریاست‌جمهوری شد یا هر چیز دیگری مهم نیست.

آنچه باعث اهمیت «کشمیری بودن» شد چیزهایی است که این عنوان را به یک کلیدواژه تبدیل کرد و معنایی خاص به آن داد. کشمیری در نظر مردم آن زمان، مخلوطی شنیع و کریه از دورویی و سوءاستفاده از دین و مذهب، بیرحمی، فریبکاری، تخریبگری فرهنگ و ضدیت با مردم بود؛ تعبیری که شاید یک سال زمان لازم بود تا بعد از واقعه تلخ انفجار ریاست‌جمهوری و شهادت شهیدان رجایی و باهنر، معنایش شکل گیرد و کلیدواژه‌ای باشد برای نشانی شدن یک نقطه.

اما جوان‌ترها که نه وقایع دهه‌های ۵۰ و ۶۰ را دیده‌اند و نه حتی از آنها مطلع شده‌اند؛ شاید کشمیری را فقط یک منافق یا یک بمب‌گذار یا قاتل ۲ شهید عزیز بدانند. تصوری اشتباه که نپرداختن به آن می‌تواند دوباره باعث پررنگ‌تر شدن و هویت یافتن این کلیدواژه در دهه پنجم انقلاب شود.

اما چرا کشمیری توانست با این اندازه از شناعت به‌سادگی تلخ‌ترین اتفاقات را رقم زند و بعد هم ساده‌تر از هر کسی فرار کند؟ چه شرایطی باعث این اتفاقات شد؟ چه بستری به او کمک کرد؟ آیا فقط او بود که توانست بسان یک جنایتکار باهوش «کشمیری» را کلیدواژه کند یا هر کشمیری دیگری در آن بستر و با آن پس‌زمینه می‌تواند کلیدواژه شود؟

رسیدن به پاسخ این سوالات شاید تا چند سال پیش سخت بود اما دهه ۹۰ زمان شناختن کشمیری بود؛ وقتی که به واسطه علاقه‌مند شدن فیلمسازان مستعدی چون مهدویان، شعبانی، موگویی و... چهره کشمیری و اتفاقاتی که او مسبب‌شان شده بود هرچه بیشتر مشخص می‌شد.

مستند «نفوذی» تازه‌ترین ساخته جواد موگویی، مستندساز و تاریخ‌پژوه است که روایتگر گوشه‌ای از زندگی «مسعود کشمیری» عامل ترور شهیدان رجایی و باهنر است. مسعود کشمیری از جمله نیروهای سازمان منافقین بود که با نفوذ در دستگاه‌های اجرایی کشور زمینه‌ساز بمب‌گذاری در دفتر نخست‌وزیری جمهوری اسلامی ایران در ۸ شهریور ۱۳۶۰ و شهادت آقایان رجایی و باهنر شد و مستند «نفوذی» به بازخوانی بخش‌هایی از زندگی این فرد پرداخته است.

مهدویان هم ماجرای مسعود کشمیری و انفجار نخست‌وزیری را در ماجرای نیمروز آورده و به این نکته اشاره کرده که این ماجرا تا امروز مستمسک دعواهای سیاسی و برخوردهای خطی قرار گرفته است. او در فیلم نشان داده کشمیری رابط شورای امنیت کشور و دفتر اطلاعات و تحقیقات نخست‌وزیری با سپاه بوده است که ظاهرا این موضوع به لحاظ تاریخ صحت ندارد. کشمیری در سال ۶۰ نه دبیر شورای امنیت کشور که منشی جلسات و صورت‌جلسه نویس این شورا بود.

مجموعه تلویزیونی ۲۴ قسمتی «راز ناتمام» نیز یک مجموعه تلویزیونی ایرانی محصول ۱۴۰۱ به تهیه‌کنندگی و کارگردانی و نویسندگی امین امانی و محصول شبکه یک سیماست.

سریال «راز ناتمام» در کش‌وقوس یک ماجرای امنیتی به زندگی پرفراز و نشیب شهید «محمدجواد باهنر» (سومین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران) می‌پردازد. در این سریال، شخصیت افراد سرشناس انقلاب از مقام معظم رهبری، شهید بهشتی، مرحوم رفسنجانی و شهید رجایی بازسازی شده و روایت‌هایی از وجوه مبارزاتی این شخصیت‌ها و حزب جمهوری اسلامی و وقایع دهه ۶۰ و فعالیت‌های منافقین را به نمایش می‌گذارد.

«ترور سرچشمه» مستندی است که در ۱۳ قسمت به بررسی انفجار در ساختمان ریاست‌جمهوری، شهادت آیت‌الله بهشتی و نقش مسعود کشمیری در این حوادث اختصاص دارد. این مجموعه بر اساس کتابی به همین نام، نوشته آقایان حسن روزی‌طلب و مهدی اسلامی تولید شده است.

محمدحسین رضوی، تهیه‌کننده این مجموعه درباره ایده اولیه این مستند گفت: مستند «ترور سرچشمه» درباره انفجار دفتر حزب جمهوری است. «مستند پرونده مسکوت» درباره انفجار دفتر نخست‌وزیری است. انفجار دفتر نخست‌وزیری ۲ تفاوت مهم با حادثه حزب جمهوری اسلامی دارد؛ به لحاظ امنیتی حزب جمهوری جایی بوده که مردم عادی به آن رفت‌وآمد داشته‌اند و طبیعتا حلقه‌های امنیتی خاصی نداشته است اما مورد دفتر نخست‌وزیری مربوط به دفتر جلسات شورای عالی امنیت ملی بوده که یکی از مهم‌ترین مراکز کشور است. نکته دوم درباره عوامل این حواث است. کسی که دفتر حزب را منفجر کرده، یکی از اعضای این حزب بوده که هیچ وقت هم به رده‌های بالای نظام راه نیافته بود اما مسعود کشمیری که عامل انفجاردفتر نخست‌وزیری بوده، مسؤول اطلاعات نخست وزیری و جانشین دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است. مهدی پاکدل در این مستند نقش مسعود کشمیری را بازی می‌کند.

پس از حادثه نخست‌وزیری، پروژه شهیدسازی از کشمیری شروع می‌شود. افرادی هستند که در بالا آمدن کشمیری در مسؤولیت‌های نظام دخیل بوده‌اند. اتفاقاتی است که روایت آنها در یک فیلم مستند قابل بیان نبود و به همین خاطر ترجیح دادیم سراغ ساخت یک مجموعه مستند برویم.

تهیه‌کننده این مستند افزود: این پرونده ابعاد مختلفی دارد و برخی مسؤولان سابق جمهوری اسلامی در آن پرونده متهم بودند یا برخی از مسؤولان فعلی نظام از پیگیران این پرونده بودند.

محمدحسین رضوی درباره مسائل فنی این مستند گفت: به این ایده رسیدیم که یک مستند بازسازی آرشیوی از این حادثه تولید کنیم. به لحاظ پروداکشن سبک‌تر از آثاری مثل آخرین روزهای زمستان است ولی احتمالا در آن قالب کار کنیم. مجبور به بازسازی برخی صحنه‌ها هستیم چون اگر این کار را نکنیم، صرفا نمایش اسناد و مصاحبه برای مردم دلچسب و باورپذیر نخواهد بود.

رضوی با اشاره به نکات عجیب ماجرای کشمیری بیان کرد: ما در جایگاه اتهام‌زنی یا محکوم کردن اشخاص قرار نداریم و صرفا پرونده را عین به عین جلو خواهیم رفت. امروز حتی خیلی از کسانی که در این پرونده متهم بوده‌اند، برای حضور در این مستند اعلام آمادگی کرده‌اند.

برای مثال شخصی که باعث رشد کشمیری در مسؤولیت‌های نظام بوده، چه کسی است؟ کشمیری را یک نفر، تحت عنوان یک مجموعه حمایت می‌کرده است و نکته جالب و عجیب این ماجرا این است که شخص مورد نظر، همواره در سیستم جمهوری اسلامی وجود داشته و هیچ وقت از هرم قدرت حذف نشده است.

یکی از مهم‌ترین سوالات مطرح شده در این مستند همین مساله است. این مساله، موضوعی بود که ما حتی حین تولید فیلم ماجرای نیمروز هم به آن رسیدیم. سازمان منافقین و به طور کلی جریان نفوذ هنوز هم در سیستم اداری - مدیریتی جمهوری اسلامی ایران نفوذ و حضور دارد. اینکه بخواهیم این سازمان را صرفا تشکیلاتی به رهبری مریم رجوی بدانیم، ساده‌انگارانه است. اینکه فکر کنیم این گروهک کلا تمام شده و فعالیتی ندارد اشتباه است.

به نظر ما هنوز هم برخی افراد به همین شکل مشغول رشد در سیستم هستند. کنجکاویم بدانیم چه کسی، کشمیری را کشمیری کرد؟ کشمیری‌ها ساخته می‌شوند ولی افراد پشت پرده ایجاد آنها هیچ وقت حذف نمی‌شوند.

بزرگداشت مرتضی ممیز، هنرمند سرشناس گرافیک همزمان با هجدهمین سالگرد درگذشتش

هنرمندی که هنوز نسل جدید تربیت می‌کند

گروه فرهنگ و هنر: همزمان با هجدهمین سالروز درگذشت استاد «مرتضی ممیز» پدر گرافیک ایران، مراسم بزرگداشتی با حضور هنرمندان و خانواده این هنرمند در خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

در این مراسم محمدمهدی عسگرپور، مدیرعامل خانه هنرمندان ایران ضمن قدردانی از حضور هنرمندان و خانواده این هنرمند گفت: به جهت عرض ادب و به نمایندگی از بقیه انجمن‌های عضو شورای خانه هنرمندان ایران در این جلسه صحبت می‌کنم. از خانواده استاد ممیز تشکر می‌کنم که هر سال بانی خیر شده و سبب می‌شوند علاقه‌مندان به این استاد بزرگ حوزه گرافیک و تجسمی گرد هم آیند و دقایقی را با هم بگذرانند. نسبت استاد ممیز با خانه هنرمندان، نسبتی انکارناشدنی است. ایشان نه فقط در کالبد خانه هنرمندان هستند و گالری مهم ما در این مجموعه به نام ایشان است، بلکه بخش قابل توجهی از روح خانه هنرمندان پیوند جدی با زندگی و نام استاد ممیز دارد.

عسگرپور در ادامه با اشاره به زنده نگه داشتن یاد و خاطره این هنرمند در خانه هنرمندان اظهار داشت: ممکن است برخی دوستان گاهی به یاد ایشان بیفتند اما ما تقریبا هر روز به یاد ایشان هستیم، زیرا نام یکی از گالری‌های خانه هنرمندان ایران، به نام استاد ممیز است و ایشان یکی از موسسان اولیه خانه هنرمندان نیز بوده است. به همین دلیل وقتی در جلسات این چنین از هنرمندانی که از دست داده‌ایم، یاد می‌کنیم، می‌گوییم زنده هستند و واقعیت امر هم همین است.

مدیرعامل خانه هنرمندان ایران در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد: درباره برخی از این اساتید بدون اغراق باید این حرف را زد. واقعیت این است که تصور نبودن استاد ممیز هم تصور عبثی است. ایشان انگار کاملا حضور دارند. امثال ما باید بگوییم خوش به حال‌مان که در دوره‌ای زیست کردیم که استاد ممیز بودند و ما از نزدیک ایشان را دیدیم. برای همه آرزوی موفقیت دارم. برای استاد بزرگ‌مان، آقای ابراهیم حقیقی نیز آرزوی طول عمر و سلامتی دارم.

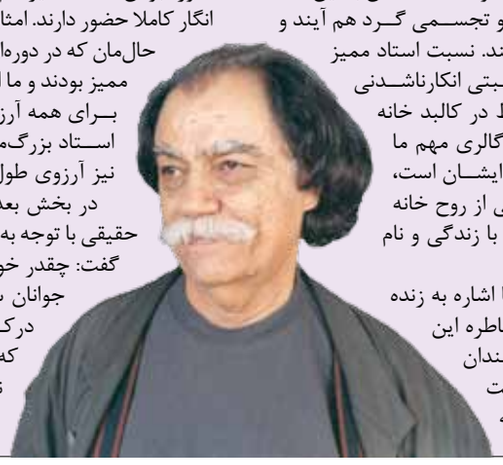

در بخش بعدی این مراسم، ابراهیم حقیقی با توجه به علاقه نسل جوان به ممیز گفت: چقدر خوب است که این همه از جوانان سالن را پر کرده‌اند. قطعا درک درستی از معلمی دارند که اگرچه معلم مستقیم آنها نبوده اما معلم همه ما بوده است. معلم‌های خوب، دانشجویان خوبی را تربیت می‌کنند که معلم‌های خوبی می‌شوند و مدرسه‌های خوبی درست می‌کنند. وقتی سال ۴۸ مرتضی ممیز، بنیان رشته گرافیک را در دانشکده هنرهای زیبا گذاشت، کاری کارستان کرد.

این هنرمند همچنین افزود: به قول یکی از دوستان، شکرگزار حرفه‌ای هستیم که مرتضی ممیز به آن آبرو بخشید و با تلاش خود برای آن انجمن و تعاونی درست کرد، دانشکده‌اش را رونق بخشید و دانشجویان بسیاری را تربیت کرد. اگر به عنوان یک حرفه آبرومند در تمام جهان، ما هم به این حرفه مشغولیم، قطعا شکرگزار و خوشحالیم و به آن افتخار می‌کنیم. سال‌ها چقدر زود می‌گذرند؛ سال ۴۷ با مرتضی ممیز به عنوان معلمم آشنا شدم. سال ۴۸ نیز با مصطفی اسداللهی که یکی از نخستین دانشجویان دانشکده گرافیک دانشگاه هنرهای زیبایی بود که مرتضی ممیز تاسیس کرد، آشنا شدم.

حقیقی در ادامه بیان کرد: ۵۴ سال از آن روزی که دوستی‌ام با مصطفی اسداللهی آغاز شد، می‌گذرد و باید بگویم می‌توان او را یکی از یادگارهای درخشان مرتضی ممیز نام برد. هر وقت ممیز فکر می‌کرد باید کاری کند، مصطفی اسداللهی یکی از کسانی بود که باید کنارش می‌بود. یکی از تلاش‌های مهم مرتضی ممیز معرفی گرافیک ایران به اروپایی‌ها بود. او واقعا کار کرد و این اتفاق افتاد و اکنون از گرافیک ایران به عنوان یکی از گرافیک‌های شاخص جهان نام می‌برند.

این چیزی جز تلاش‌های مرتضی ممیز نبود و ما همچنان با غرور مدیون او هستیم.

او ادامه داد: اگرچه مصطفی اسداللهی امروز در ایران زندگی نمی‌کند اما همچنان حضور پررنگی در گرافیک ما دارد. تعداد نشانه‌هایی که مصطفی اسداللهی طراحی کرده، به قدری است که ما هنوز بدون آنکه بدانیم کار مصطفی اسداللهی هستند، با آنها سر و کار داریم. پوسترها عمر کوتاهی دارند اما نشانه‌ها در فرهنگ هر مملکت باقی مانده و جزو ذات زندگی هر قوم و ملتی می‌شود و مصطفی در این قضیه بسیار تاثیرگذار است. تاثیر مهم دیگر مصطفی تدریس بود. از وقتی فارغ‌التحصیل شد و برای ادامه تحصیل به پاریس رفت. بعد از ۴ سال برگشت و مشغول تدریس شد. تصور می‌کنم مصطفی بیش از ۲ هزار دانشجو تربیت کرده است.

حقیقی در پایان گفت: این چیزی نیست جز آموزه‌هایی که همه ما از مرتضی ممیز یاد گرفته‌ایم. منظورم این پایداری و تربیت کردن بوده که جزو وظایف ما است. او در ما عادت ساخت که این را وظیفه بشماریم. برای اینکه جز این حرکت‌ها نیست که سبب پایدار ماندن فرهنگ یک مملکت می‌شود. کار فرهنگی کردن، تداومی بدون چشمداشت و بدون دستمزد می‌خواهد. مصطفی اسداللهی از مرتضی ممیز آموخت. فکر می‌کنم خیلی از ما نیز بتوانیم این حرفه را برای فرهنگ مملکت‌مان پایدار نگه داریم.

کلنگ‌زنی حریم تئاتر شهر از هفته آینده

وزیر ارشاد در جریان تازه‌ترین بازدید میدانی از محوطه مجموعه تئاتر شهر که با حضور معاون توسعه منابع و مدیرکل هنرهای نمایشی انجام گرفت، از آغاز پروژه اجرای حریم تئاتر شهر در هفته آینده خبر داد. محمدمهدی اسماعیلی در بازدید از پروژه اجرای حریم تئاتر شهر در جمع خبرنگاران گفت: تئاتر شهر برای تهران و کل کشور قلب تپنده حوزه فرهنگ و هنر و نماد فرهنگی - هنری شهر تهران و کشور است و اهالی هنر علاقه خاصی به این مکان دارند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عنوان کرد: بیش از ۳۰ سال است پروژه اجرای حریم تئاتر شهر مطالبه هنرمندان است، از این رو با انجام این پروژه، زمستان ۱۴۰۲ بهار اهالی فرهنگ و هنر می‌شود. وی افزود: پروژه اجرای حریم تئاتر شهر از سال ۱۳۶۸ مورد مطالبه هنرمندان بوده و هنرمندان برجسته مکرراً به بنده مراجعه کردند و با همکاران من نیز درباره انجام این پروژه صحبت کردند، بنابراین این پروژه به همت معاونت توسعه منابع انجام می‌شود. اسماعیلی درباره زمان کلنگ‌زنی این پروژه بیان کرد: بنده تمایل داشتم در این هفته این اتفاق بیفتد ولی روز دوشنبه در وزارت فرهنگ میهمان ویژه‌ای داریم و یک شهید عالی‌مقام در وزارت فرهنگ تدفین می‌شود که همکاران من مشغول این برنامه هستند، لذا شنبه هفته آینده طی یک برنامه مناسب کلنگ‌زنی این پروژه انجام می‌شود. وزیر فرهنگ یادآور شد: هنرمندان علاقه ویژه‌ای به تئاتر شهر دارند و این مساله دلیل ما برای شروع این پروژه است، از این رو با انجام این پروژه، زمستان ۱۴۰۲ بهار اهالی فرهنگ و هنر می‌شود.